

## نمایش ۵ فیلم کودک همزمان با برگزاری جشنواره فیلم فجر



قائم‌مقام بنیاد سینمایی فارابی با اشاره به برگزاری طرح «سیمرغ و پروانه‌ها» همزمان با سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، از نمایش پنج فیلم سینمایی کودک و نوجوان از ۱۳ تا ۱۷ بهمن در برخی سینماهای تهران و سراسر کشور خبر داد. حبیب‌ایل بیگی مدیربخش «سیمرغ و پروانه‌ها» با اشاره به برگزاری این بخش برای سال دوم همزمان با سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر گفت: این برنامه در راستای برنامه‌های حمایتی سازمان سینمایی از سینمای کودک و نوجوان است که برای دومین سال برگزار می‌شود و پنج روز از ایام برگزاری جشنواره، شاهد نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان هستیم. وی با بیان اینکه از ۱۳ تا ۱۷ بهمن، فیلم‌های کودک و نوجوان در سینماهای تهران و سراسر کشور در نوبت صبح به نمایش در می‌آید، افزود: در مراکز استان‌ها همزمان با پربازی جشنواره فیلم فجر، یک سالن از سینماهای میزبان جشنواره فیلم فجر به نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان اختصاص خواهد یافت.

مدیر بخش «سیمرغ و پروانه‌ها» تاکید کرد: در شهر تهران، همزمان در ۹ سالن سینماهای «فرهنگ»، «آزادی»، «تماشا»، «باغ کتاب»، «مگامال»، «کورش»، «شکوفه»، «ماندانا» و «راگا» شاهد نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان خواهیم بود و هر روز صبح یک سانس نمایش داریم. ایل بیگی تاکید کرد: نمایش این فیلم‌ها رایگان است و مدارس در تهران از طریق «سامانه اردویی مدارس» برای تماشای این آثار اقدام کنند. ایل بیگی افزود: این طرح هم‌چنین می‌تواند به معرفی فیلم‌های کودک و نوجوان نیز کمک کند تا پیوند بهتری بین سینما و کودکان برقرار شود و سینمای کودک با پشتوانه بهتری ادامه یابد.

ویژه برنامه «سیمرغ و پروانه‌ها» با همراهی مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان، سازمان سینمایی، دبیرخانه جشنواره فیلم فجر، ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد سینمایی فارابی برگزار می‌شود.

## نحوه داوری فیلم‌ها در جشنواره‌ها شفاف نیست



کارگردان سینما همزمان با فعالیت هیأت داوران سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر گفت: نحوه داوری فیلم‌ها در جشنواره‌ها شفاف نیست و لایه‌گری و زد و بند بسیار زیادی وجود دارد که همه این اتفاقات دست در دست هم داده تا کیفیت جشنواره‌ها دچار افت جدی شود.

فریال بهزاد ادامه داد: این اتفاق نوبی که امسال در جشنواره فیلم فجر افتاده و داوران پیش از آغاز جشنواره مشغول داوری شده‌اند هم عجیب است چرا که داوران در همه جشنواره‌های معتبر دنیا همزمان با برگزاری جشنواره فیلم‌ها می‌بینند و قبل از آن این اتفاق باعث می‌شود تا داوران بیشتر از گذشته تحت تأثیرات بیرونی قرار بگیرند و فشارهای فراوان و لایه‌گری آن‌ها نظر آن‌ها را تغییر دهد.

بهزاد تاکید کرد: متأسفانه همان طور که در بسیاری از کارها و بخش‌ها ما از قواعد استاندارد پیروی نمی‌کنیم در داوری‌مان هم هیچ استاندارد نداریم و قوانین نانوشته پشت پرده بیشتر تعیین‌کننده هستند. ما هنوز در کشورمان در خصوص نحوه داوری فیلم‌ها در جشنواره‌ها سازوکار درستی نداریم و حتی برخی اوقات با داورانی روبه‌رو هستیم که اصلاً صلاحیت داوری ندارند و معلوم نیست بر چه اساس و چه رابطهای داور شده‌اند!

وی با بیان این که هر هیأت داوری نیاز به رئیس دارد که بر روی روند کار افسار نظارت کند اظهار داشت: یکی دیگر از مشکلات عمده انتخاب داوران در سینمای ایران این است که ما از متخصصان حوزه‌های مهمی هم چون موسیقی، چهره پردازی و... در داوری‌ها بهره نمی‌گیریم و همه این‌ها باعث می‌شود تا داوری در این بخش‌ها به جای تخصصی بودن سلیقه‌ای شود.

## پاستاریونی؛ نماینده شکست در دناک سینمای ما؛

## این غذا به مذاق کسی خوش نیامد!

فیلم با بریانی، غذای سنتی اصفهان شروع می‌شود. رستوران داری که غذاهای فست فودی ارائه می‌داد در رقابت با فست فودی‌های دیگر، به خصوص فست فودی آن طرف خیابان، بازار خود را از دست داده و ورشکسته می‌شود. اما فرزندان این رستوران دار، پسری به نام کوشان تصمیم می‌گیرند یک بریانی فروشی به جای رستوران فست فود پدرش در تهران باز کنند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

فیلم: پاستاریونی نویسنده: حمزه صالحی کارگردان: سهیل موفق بازیگران: سام درخشانی، بهار رهنما، گوهر خیراندیش، محمد نادری و...



پاستاریونی می‌خواهد روایتی باشد درباره غذا، البته غذایی و فضایی که این فیلم بر روی آن مانور داده، گویا در جهت احیای سنت در بستر مدرنیته است! و تبدیل غذای سنتی با ترکیبی نو و به روز شده، آن هم به کمک یک چهره اینستاگرامی به نام مستر تیستر.

ایده فیلم، ایده بسیار خوبی است؛ غذا به عنوان سوزه اصلی معمولاً در فیلم‌های ما حضور ندارد. اما این ایده خوب، با فیلم نامهای ضعیف، کارگردانی و لاجرم بازی‌های ضعیف‌تر، در عمل یک فیلم از ابتدا شکست خورده است. حتی اگر یک شاخ اینستاگرامی را برای جلب مشتری، به کار گرفته باشد.

فیلم با بریانی، غذای سنتی اصفهان شروع می‌شود.

رستوران داری که غذاهای فست فودی ارائه می‌داد در رقابت با فست فودی‌های دیگر، به خصوص فست فودی آن طرف خیابان، بازار خود را از دست داده و ورشکسته می‌شود. اما فرزندان این رستوران دار، پسری به نام کوشان تصمیم می‌گیرند یک بریانی فروشی به جای رستوران فست فود پدرش در تهران باز کنند.

در این مسیر کوشان در جست‌وجوی سرآشپزی است که بتواند بریانی درست کند. در این گیر و دار که او در حال مصاحبه با متقاضیان است، یکی از سرآشپزهای داوطلب، ایده آرایه کلیه غذاهای محلی در رستوران را به میان می‌آورد که البته برای اجرای این ایده اول باید پدر کوشان را راضی کرد که از خیر پذیرفتن شغلی که در شمال کشور به او پیشنهاد شده، بگذرد. در نهایت پدر راضی می‌شود و ایده رستورانی با اغلب غذاهای سنتی عملی می‌شود. رستورانی به نام ترنج که این بار رقیب جدی رستوران فست فودی پاستا دا پیتزای آن طرف خیابان می‌شود. ترنج مدام از طرف مدیران پاستا دا پیتزا مورد تهدید قرار

چگونه است که نویسنده فیلم نامه، به خود اجازه می‌دهد چهره‌های تا این حد خشن از یک کودک ارائه بدهد، آن هم در فیلمی که هر چند داعیه فیلم کودک بودن ندارد، اما حال و هوایی دارد که خانواده‌ها فرزندانشان خود را برای تماشای آن می‌برند

می‌گیرد و طبیعی است که پاستا دا پیتزا در تلاش‌های خود برای از میدان به در کردن ترنج شکست می‌خورد.

این که یک بچه، اصلاً بچه نیست! این بچه، سال کوشان، نگران وضعیت شغلی پدرش باشد، طبیعی است. اما این که همین بچه در همین سن و سال، تصمیم بگیرد و بتواند رستوران شکست خورده پدر را با چنین درایتی نجات بدهد، البته از عجایبی است که تنها سینمای ایران می‌تواند از پس آن برآید!

تبدیل می‌کند. اما چگونه است که نویسنده فیلم‌نامه، به خود اجازه می‌دهد چهره‌های تا این حد خشن از یک کودک ارائه بدهد، آن هم در فیلمی که هر چند داعیه فیلم کودک بودن ندارد، اما حال و هوایی دارد که خانواده‌ها فرزندانشان خود را برای تماشای آن می‌برند. همین نشان می‌دهد که هنوز پای سینمای ما در رابطه با فرم و شیوه استفاده از کودک‌کان، و بسازی دادن آن‌ها در جریاناتی که به بزرگ‌ترها مربوط است تا چه حد می‌لنگد، و چه بهتر آن است که کودک‌کان اگر به بازی گرفته می‌شوند، در همان نقش و جایگاه خود بازی کنند و نخواهند ادای بزرگ‌ترها و البته ناجیان را در بیآورند. به خصوص که فضای فیلم رئال است. اگر فضای فیلم تا حدودی فانتزی و نزدیک به دنیای ذهنی نوجوانان بود، بعضی اتفاقات باورپذیرتر می‌شد.

## بازیگران نام آشنا و معضل گیشه!

بازیگران پاستاریونی هنرپیشه‌های نام‌آشنای صنعت سینمای ایران هستند، افرادی که البته حضورشان در این فیلم در نگاه اول، انتظار ماز فیلم را بالا برد که خوب این اتفاق نیفتاد و حضور ضعیف و سرهم بندی شده این بازیگران، تا حدودی باعث سرخوردگی تماشاگران شد.

بازیگران پاستاریونی هنرپیشه‌های نام‌آشنای صنعت سینمای ایران هستند، افرادی که البته حضورشان در این فیلم در نگاه اول، انتظار ماز فیلم را بالا برد که خوب این اتفاق نیفتاد و حضور ضعیف و سرهم بندی شده این بازیگران، تا حدودی باعث سرخوردگی تماشاگران شد.

استفاده از هنرمندان اصفهانی هم چون مهدی باقریگی و تلاش برای درست‌آدا شدن لهجه سنتی اصفهانی که البته اتفاقی است مبارک که در برخی از فیلم‌ها نمی‌افتد، حضور حمید سپیدنام ملقب به مستر تیستر به عنوان بازیگر برای کشاندن فالوئرهای بالای او در اینستاگرام به سینما، همه و همه نشان دهنده نوعی دست و پا زدن برای نگه داشتن تماشاگر در سالن تا پایان فیلم است. اما حتی با وجود تمام این ترندها، هیچ اتفاق مثبتی



بازیگران نام آشنا و معضل گیشه!

است، باید گفت «کودک‌آزاری» یا «Child Abuse» بحث بسیار گسترده و پیچیده‌ای است که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه خانواده‌ها قرار گرفته است و از این نظر دوران کودکی به عنوان نخستین دوره تکامل شخصیت کودک یکی از مهمترین مراحل در زندگی هر فردی تلقی می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت انسان در دوران کودکی یکی از آسیب‌پذیرترین دوره‌های عمر خود را می‌گذراند.

با توجه به اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت و هویت فرد می‌توان گفت «کودک‌آزاری»، معلولی است از عامل‌های چندگانه که مشکلات جبران‌ناپذیری را برای کودکان و نوجوانان در معرض آسیب، ایجاد می‌کند؛ بنابراین با توجه به آسیب‌پذیری بودن کودکان هرگونه محرومیت عاطفی، تنبیه، اعمال رفتارهای خشنونت‌آمیز، تحمیل آزرده‌گی‌ها و ناکامی‌های مکرر می‌تواند عوارض و آسیب‌های اجتماعی در پی داشته باشد و

پدرش) در حال استحمام هستند، به فرهاد می‌گوید که فردی بدن او را دیده است. این موضوع برای مخاطب به طرز نگران‌کننده‌ای در شروع فیلم بیان می‌شود و به نوعی می‌توان گفت مسئله مخاطب نیز می‌شود. از دیدگاه روانشناسی می‌توان گفت یکی از مهمترین موضوعاتی که کودک در رابطه با چنین مسائلی با آن روبرو می‌شود، ترس است. ترس به عنوان یک مسئله روانشناختی گریبان کودک را گرفته و هرگونه برخورد غیراصولی والدین، این مسئله را تشدید می‌کند. به گونه‌ای که شاید تا بزرگسالی با او همراه باشد.

از منظر روانشناسی با توجه به موضوع اصلی فیلم که دیده شدن معضلات دنیای کودکانه به صورت هر چند بسیار سطحی